فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc426709188)

[تفسیر بخش اول سوره غاشیة 2](#_Toc426709189)

[وضع انسان‌ها در قیامت 2](#_Toc426709190)

[1. انسان‌های خوب، صالح و پرهیزکار 3](#_Toc426709191)

[2. انسان گنهکار و گمراه 3](#_Toc426709192)

[تعدادی از صفات بهشت 3](#_Toc426709193)

[خطبه دوم 4](#_Toc426709194)

[شخصیت علمی و اخلاقی امام صادق (ع) 5](#_Toc426709195)

[سخن مالک بن انس درباره امام صادق 5](#_Toc426709196)

[هفته نیروی انتظامی 6](#_Toc426709197)

[دعا 7](#_Toc426709198)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1) نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید والرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج) ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین** . **اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِیدًا[[2]](#footnote-2)** **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی.**

## تفسیر بخش اول سوره غاشیة

قرآن در آیات مختلف وضع انسان‌های خوب و بد را در روز قیامت ترسیم کرده است، ازجمله این‌که خداوند می‌فرماید: در روز قیامت انسان‌های خوب و بد با دو ظاهر و چهره محشور می‌شوند.

سوره غاشیه سوره انذار و بشارت است و غاشیه همان روز قیامت است که بر مردم از هر سو احاطه پیدا می‌کند و در این سوره قیامت را با شرح‌حال مردم توصیف می‌کند ازاین‌جهت که به دودسته تقسیم می‌شوند: سعیدها و شقی‌ها و هر طایفه‌ای درجایی که برایشان آماده‌شده مستقر می‌گردند یکی در بهشت و دیگری در دوزخ و رشته کلام بدین جا کشیده می‌شود که رسول خدا (صلی‌الله) را دستور می‌دهد که مردم را تذکر دهد به اینکه مقام ربوبی چه فنونی از تدبیر در این عالم بکار برده، فنونی که هر یک دلالت دارد بر ربوبیت او برای همه عالم و برای خصوص ایشان و اینکه بازگشتشان به‌سوی او و حسابرسی اعمالشان با او است، و این سوره به شهادت سیاقی که آیاتش دارد در مکه نازل‌شده است.

# وضع انسان‌ها در قیامت

مردم در قیامت به دو گروه تقسیم می‌شوند:

# 1. انسان‌های خوب، صالح و پرهیزکار

«**وُجُوهٌ یوْمَئذٍ نَّاعِمَةٌ**»[[3]](#footnote-3) چهره‌های نرم، شاد و شاداب که حکایت‌گر دل‌های پاک و نشان‌دهنده پرونده خوب اعمال آن‌ها است. «**لِّسعْیهَا رَاضِیةٌ**»[[4]](#footnote-4) و نور رضایت و خوشنودی بر چهره آن‌ها آشکار است. وجوهی که در آن روز ناعم است از کار خود راضی است، چون کارش همه اعمال صالح است، که به بهترین جزا پاداش داده‌شده است.

# 2. انسان گناهکار و گمراه

«**وُجُوهٌ یوْمَئذٍ خَشِعَةٌ**»[[5]](#footnote-5) یعنی چهره‌هایی در آن روز از شدت اندوه و عذاب ذلیل و شرمسار است و این شرمساری بر آن چهره‌ها فراگیر می‌شود و خشوع، حالت و وصف انسان‌ها است ولی در این آیه به وجوه آنان نسبت داده و این بدان جهت است که چهره از هر عضو دیگری حالت خشوع درونی را می‌نمایاند.

# تعدادی از صفات بهشت

«**فی جَنَّةٍ عَالِیةٍ\* لا تَسمَعُ فی‌ها لَغِیةً\* فی‌ها عَینٌ جَارِیةٌ\* فی‌ها سرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ\* وَ أَکوَابٌ مَّوْضوعَةٌ \* وَ نمَارِقُ مَصفُوفَةٌ**»[[6]](#footnote-6)

آنان در باغی بلند هستندکه در آن هیچ سخن بیهوده نمی‌شنوند و در آن چشمه‌ای روان است، در آن تخت‌هایی بلندمرتبه است و قدح‌هایی (که در کنار این چشمه‌ها) نهاده شده است.

مراد آیه از عالی بودن بهشت ارتفاع درجات و شرافت و جلالت قدر و گوارایی عیش آن است، چون در بهشت حیاتی هست که دنبالش مماتی نیست، و لذتی است که آمیخته با الم و درد نیست، و سروری هست که همراه با هیچ غم و اندوهی نیست، و اهل بهشت نه‌تنها هر چه دوست بدارند در دسترسشان هست، بلکه لذایذی هست که مافوق خواست آنان است.

«**لا تَسمَعُ فی‌ها لَغِیةً**» یعنی وجوه نامبرده و یا به عبارتی اهل بهشت، در بهشت حتی یک کلمه بیهوده و بی‌فایده نمی‌شنوند.

**«فی‌ها عَینٌ جَارِیةٌ**» مراد از کلمه عین جنس چشمه است، نه اینکه بخواهد بفرماید در بهشت تنها یک چشمه هست، چون در جای دیگر صریحاً فرموده در بهشت چشمه‌هایی هست، مانند چشمه سلسبیل و چشمه شراب و چشمه طهور و غیر آن.

«**فی‌ها سرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ**» کلمه سرر جمع سریر، تخت است، و منظور از مرفوع بودن تخت، مرفوع بودن مقام و منزلت کسی است که بر آن تکیه می‌زند.

**«وَ أَکوَابٌ مَّوْضوعَةٌ**» کلمه اکواب جمع کوب است، که به معنای آفتابه بدون خرطوم و دسته است که در آن شراب می‌گیرند.

**«وَ نمَارِقُ مَصفُوفَةٌ**» کلمه نمارق جمع نمرقه است، که به معنای بالش و پشتی است، که بدان تکیه می‌دهند. و مصفوفه بودن نمارق به این معنا است که این پشتی‌ها را در مجلس پشت سر هم بگذارند، همان‌طور که در مجالس فاخر دنیا چنین می‌کنند.

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ[[7]](#footnote-7)**

# خطبه دوم

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[8]](#footnote-8) ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسَیُّما مولانا علی بن ابیطالب و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی الائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد والحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر حجک علی عبادک و أمنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و أمناء الرحمن و سلالة النبین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین.اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[9]](#footnote-9)** **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی**

## شخصیت علمی و اخلاقی امام صادق (ع)

آن حضرت، نشر علوم و اندیشه‌های ناب اسلامی را در رأس همه برنامه‌های خود قرار داده و با توجه به نیاز شدید و آمادگی نسبی جامعه به تداوم راه پدر بزرگوارشان امام باقر (ع) بپردازند و در رشته‌های مختلف علمی شاگردانی چون: هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، جابر بن حیان و صدها نخبه علمی دیگر تربیت نماید که تعداد آن‌ها را غالب بر چهار هزار نفر نیز نوشته‌اند.

شعاع علمی امام صادق (ع) نه تنها بر سر شیعیان پرتوافکنی می‌نمود بلکه اهل سنت و حتی برخی از پیشوایان آن‌ها نیز از مکتب آن حضرت بهره می‌بردند.

# سخن مالک بن انس درباره امام صادق

مالک بن انس که در مدینه بود، نسبتاً آدم خوش‌نفسی بوده است. می‌گوید: من می‌رفتم نزد جعفر بن محمد **«و کان کثیر التبسم**» و خیلی زیاد تبسم داشت، یعنی به‌اصطلاح خوشرو بود و عبوس نبود و بیشتر متبسم بود، و از آدابش این بود که وقتی اسم پیغمبر را در حضورش می‌بردیم رنگش تغییر می‌کرد (یعنی آن‌چنان نام پیغمبر به هیجانش می‌آورد که رنگش تغییر می‌کرد). من زمانی با او آمدوشد داشتم. بعد، از عبادت امام صادق نقل می‌کند که چقدر این مرد عبادت می‌کرد و عابد و متقی بود. آن داستان معروف را همین مالک نقل کرده که می‌گوید در یک سفر با امام باهم به مکه مشرف می‌شدیم، از مدینه خارج شدیم و به مسجد الشجره رسیدیم، لباس احرام پوشیده بودیم و می‌خواستیم لبیک بگوییم و رسماً محرم شویم. همان‌طور سواره داشتیم محرم می‌شدیم، ما همه لبیک گفتیم، من نگاه کردم دیدم امام می‌خواهد لبیک بگوید اما چنان رنگش متغیر شده و آن‌چنان می‌لرزد که از خوف خدا نزدیک است از روی مرکبش به روی زمین بیفتد. من نزدیک شدم و عرض کردم: یا ابن رسول‌الله! بالاخره بفرمایید، چاره‌ای نیست، باید گفت. به من گفت: من چه بگویم؟! به کی بگویم لبیک؟! اگر در جواب من گفته شود: «لا لبیک» آن‌وقت من چه کنم؟!

همین مالک می‌گوید: **«ما رَأَتْ عَیْنٌ وَ لا سَمِعَتْ اُذُنٌ وَ لا خَطَرَ عَلی قَلْبِ بَشَرٍ اَفْضَلُ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ**»[[10]](#footnote-10) هیچ چشمی ندیده است و هیچ گوشی نشنیده است و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است، مردی که بافضیلت تر از جعفر بن محمد باشد.

# هفته نیروی انتظامی

نظم و امنیت از ضروریات حیات اجتماعی‌اند. مرور واقع‌بینانه تاریخ تحولات جوامع به ما یادآور می‌شود که ایجاد و حفظ نظم و امنیت را نباید صرفاً ً از یک سازمان توقع داشت بلکه باید آن را یک کارکرد فرا بخشی و چندوجهی حکومتی و مردمی دانست. درواقع برقراری نظم و امنیت و پایداری آن، وابسته به کارکرد نهادهای اجتماعی ازجمله خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها، نهادهای حقوقی، قضائی، انتظامی و... است.

در یک نظام حکومتی ارزش‌مدار و مردمی که نظم امور درگرو حضور و مشارکت هوشیارانه مردم و تثبیت ارزش‌هاست، می‌توان انتظار داشت سطح بالایی از نظم و امنیت مستقر و پابرجا باشد. از سوی دیگر، برعکس در جوامعی که نظم و امنیت را یک وضعیت و نه یک فرایند می‌دانند و به نقش و کارکرد نهادهای مختلف اجتماعی در ایجاد و حفظ امنیت توجه ندارند و آن را فقط در سازوکارهای سازمانی و بیرونی جست‌وجو می‌کنند، نظم و امنیت خصلتی شکننده و ناپایدار می‌یابد.

اکنون باگذشت 3 دهه از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، نیروی انتظامی در جامعه ما با اتخاذ رویکردی درست، با اتکا به ارزش‌های بنیادین اسلامی و پایبندی به رعایت منافع مردم و مصالح جامعه، تجربه‌ای موفق و ماندگار را در معرض داوری عموم قرار داده است. پلیس خدمتگزار در کشور ما راهبرد «جامعه‌محور» را مبنای عمل خود قرار داده است. در این راهبرد، اساسی‌ترین عامل در تولید امنیت، خواست و مشارکت مردم است و پلیس به امنیت مردم بها و اولویتی ویژه می‌دهد. در این راهبرد، امنیت، یک فرایند است و نه یک وضعیت و لذا پایدار بودن آن اهمیت دارد.

همچنین احساس امنیت، اولویتی بالا دارد و به آرامش روانی مردم توجه زیادی می‌شود. بدین منظور نقش مردم در ایجاد و پایداری امنیت یک اصل مهم تلقی شده و همکاری پلیس و مردم برای تأمین امنیت جامعه، یک ارتباط باارزش و اثرگذار ارزیابی می‌شود.

بنابراین اگر اینک پلیس ایران را در استقرار نظم و امنیت موفق قلمداد می‌کنیم، جا دارد قدردان ذکاوت، هوشمندی و پایبندی نیروی انتظامی در اجرای اصول راهبرد «جامعه‌محور» باشیم. همچنین جا دارد قدردان تلاش بی‌وقفه و بدون منت پلیس خدمتگزار در عرصه‌های عمل و رفتار باشیم؛ چراکه نتیجه حسن عملکرد پلیس، جلب اعتماد و مشارکت مردم و دستیابی به سطحی بالا  از امنیت فراگیر در کشور است.

اگر امروز هفته نیروی انتظامی فرصتی برای بازاندیشی درباره کارکردهای پلیس قلمداد می‌شود، نمی‌توان نسبت به عملکرد موفق پلیس ایران در اتخاذ رویکردی درست و تعهد نسبت به اجرای صحیح آن بی‌تفاوت بود. مسلماً آحاد جامعه قدردان خدمتگزارانی هستند که به‌دوراز شعار و هیاهو، عمل‌گرایی و خدمت بدون منت را اساس کار خود قرار داده، مردم را زیر سایه چتر فراگیر امنیت گرفته و زمینه بالندگی و شکوفایی را برای جامعه ایران اسلامی مهیا ساخته‌اند.

ضمن تبریک هفته نیروی انتظامی به فرماندهان سخت‌کوش و کادر جان‌برکف نیروی انتظامی، از زحمات کارکنان این نیرو در سراسر میهن اسلامی، از پاسگاه‌های مرزی گرفته تا کلانتری‌ها، پلیس‌راه و سایر مقرهای انتظامی تقدیر و تشکر می‌کنم و توفیق روزافزون آنان را از خداوند بزرگ خواستارم.

# دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعز الأجلّ الاکرم یا الله و... یاارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدقة النیّة و عرفان الحرمة اللهم انصر الاسلام و اهله واخذل الکفر واهله.**

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان و معرفت خود روشن بفرما. گام‌های ما را درراه خودت استوار بدار. بلاها و خطرها را از امت اسلامی و کشور عزیزمان دور بدار. خدایا گناهان ما را ببخش. توبه ما را بپذیر. خدایا ما را از بندگان شایسته و مقرّب خودت مقرر بفرما. مریض‌ها و جانبازان را شفاعت بفرما. ارواح تابناک شهدا و روح مطهّر امام را با اولیاء خودت محشور بفرما و....

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ یلِدْ وَلَمْ یولَدْ وَلَمْ یکنْ لَهُ کفُوًا أَحَدٌ[[11]](#footnote-11)**

1. . اعراف 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . احزاب، آیه 70. [↑](#footnote-ref-2)
3. . غاشیة آیه 8. [↑](#footnote-ref-3)
4. . همان،‌9. [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان، 2. [↑](#footnote-ref-5)
6. . همان، 10 تا 14. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره والعصر. [↑](#footnote-ref-7)
8. . اعراف 43. [↑](#footnote-ref-8)
9. . آل‌عمران 102. [↑](#footnote-ref-9)
10. . شهید مطهری، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام، ص 149. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره اخلاص. [↑](#footnote-ref-11)